

**تتبع و نگارش:** کریستین فریدریش اوسترممن (Christian F. Ostermann).  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

---

## شواهد جدید در مورد جنگ افغانستان

New Evidence on the war in Afghanistan

### قسمت دوم

یادداشت از جلسه پولیت بورو مورخ ماه جنوری «21-22»

سال (1987) فشرده و گلچین

**منبع:** بنیاد گرباچف تهیه و تدارک توسط اناتولی چرنیوف برای (CWIHP)  
و ترجمه توسط گاری گولد نبرگ

**شوردنازی نجیب:** از وضع موجود تصویر بسیار خوبی دارد ولی نه همه از او حمایت میکنند، حتی که در حلقه رهبری بعضی از رفقا از خود کم‌رنگی نشان میدهند اما این نجیب است که او بدرستی صحبت میکند و میگوید که او در طرح و حمایت این برنامه خود هیچ کسی دیگری ندارد بلکه او خود این ابتکار را به دستان خود گرفته است. من فکر میکنم که این روسایی مجاهدین افغان اند که با محاسبه غلط خود از کشوری که اقتصاد آن در هم و برهم است اشتباه میکنند که از مذاکره و صحبت بخاطر حل معضله افغانستان امتناع می‌ورزند.

از سوی دیگر تعداد کمی از آن افراد که از دهه های گذشته نسبت به شوروی احساس دوستانه و رفیقا نه داشتند زنده باقی مانده اند اما آن تعداد اشخاص و افرادی که اکنون زنده نیستند همه ای آنها را نمیتوان رهن شمرد، موضوع قابل بحث اینست که در این کشور نه تنها که هیچ یک پر ابله به نفع دهقانان حل و فصل نگردیده است بلکه عملکرد بوروکراسی دولت در اکثر موارد کند و ضعیف است و کمک‌ها و یا مشوره‌دهی مشاوران ما نیز بی اثر است چنانچه که نجیب از تنگ نظری ذهنی مشاوران ما شکایت دارد. من در حال حاضر نمیخواهم که به روی این موضوع به تفصیل صحبت کنم؛ که آیا رفتن ما به افغانستان درست بود؟ و یا ما در این زمینه کاری درستی را انجام داده ایم؟ اما آنچه راکه در اینجا ناگذاشته با یاد خاطر نشان سازم اینست که ما بدون آنکه با روانشناسی مردم و وضعیت واقعی آن کشور کم و بیش آشنایی و یا شناختی داشته باشیم به آن کشور رفتیم؛ این یک واقعیت انکارناپذیر است و هر آنچه را که ما با رفتن خود در آنجا انجام داده و یا انجام میدهیم با شخصیت اخلاقی کشور ما سازگار نیست.

**گرومیکو** : واقعاً که این ناسازگاری بود که ما به آنجا رفتیم .  
**شوارد نازی** : با پید اذعان کرد که طرز برخورد نسبت به ما منفی تر از آن است آنطوریکه به نظر ما میرسد .

وما برای این هدف ناسازگار همه ساله در حدود یک ملیارد روبل هزینه می پردازیم پول بسیار زیاد که ضرورت مصرف آن دیده میشود و مسولیت آنرا نیز باید بدوش کشید و شما به همین منوال بار بار ویا مجدداً باید از نحوه مصرف این پول گزاف با جزئیات آن به تفصیل حساب دهید که در حال حاضر این موضوع افغانستان است که برای ما به چه قیمتی (نخست وزیر شوروی) تمام میشود، نیکولای ایوانیوچ (رجکوف) ما در این مورد تا حال اطلاعاتی بدست نداریم اما در ایالات متحده امریکا چنین فکر میشود که نیاز ما برای پیشبرد این جنگ سالانه (دوملیارد) دالر میباشد و ژاپانی ها نیاز سالانه مصارفات ما را در افغانستان (سه ملیارد) دالر تخمین میزنند . البته که من در مورد زندگی مردم افغانستان صحبت نمیکنم که بر سر آنها چه آمده است .

**گرباچف** : ما اکنون در مورد این انقلاب نمی خواهیم صحبت زیاد کنیم ویا به ارتباط نحوه شکل گیری این انقلاب که چگونه بوقوع پیوست زیاد نمی پیچیم ویا اینکه ما در مقابل آن از خود چسان واکنش نشان دادیم ویا چگونه به ارتباط آن که آیا نیروهای نظامی خود را به آنجا بفرستیم ویا نه ؟ دو دله و متردد شدیم .

**گرومیکو** : بلی بلی .

**گرباچف** : در حال حاضر لازم دیده میشود که ما باید در آنجا دست به چه اقداماتی زنیم ویا چه اقداماتی را روی دست گیریم .

**گرومیکو** : من با توضیحاتی که توسط **نجیب** داده شد کاملاً موافقم ... احتمالاً با رضایت **نجیب** مبنی بر ایجاد یک نوع دولت ایتلافی که ضرورت ایجاد آنرا ما نیز احساس میکنم ویا ضرور میدانیم واین برای پیگیری سیاست جدید ما مناسب خواهد بود که مشاوران خود را فرا خوانیم .

**رجکوف** : گذارش ادوارد اموروزیوچ (**شوارد نازی**) واقعاً که یک گذارش واقعینا نه ودرستی بود مبنی بر اینکه اطلاعات قبلی ما در مورد افغانستان عینی نبود ولی وضعیت ما را مجبور ساخت که مجدداً با پرابلم بطور جدی برخورد نمایم ونباید به موضوع ساده برخورد کرد چونکه شخصیت **نجیب** مهم است .... البته ... ما .

**گرباچف** : هر یک از قریه ها پراز همچو شخصیت ها است .

**رجکوف** : افغانستان یک جامعه بیسواد است که این انقلاب منجر به بدتر شدن مردم آنجا گردید ، ما باید به دنبال پیاده کردن یک سیاست بهتر در طی دو سال پیشرو باشیم و برای پیاده کردن این سیاست مجبور هستیم که به عوض فرستادن قوای بشری پول و نفت سفید پردازیم مردم ما درک نمیکنند ویا اطلاع ندارند که ما در آنجا به چه اقداماتی دست میزنیم ویا ما در این مدت هفت سال چرا در آنجا هستیم ؟

خارج شدن و یا بیرون رفتن ما از افغانستان آسان است ولی ما نمیتوانیم که همه چیز را بدست سرنوشت آن بسپاریم که البته در آنصورت دیگر کشورها ما را ترک خواهند کرد یعنی که دوستان و هواداران ما از ما فاصله خواهند گرفت پس ما در اینصورت نیاز به زمان داریم تا مراحل قدم به قدم پیش رود تا آنکه زمینه خروج ما از افغانستان مساعد گردد و تا آنوقت باید چنان قدم های سازنده برداشته شود که همه امور و مسایل بخاطر ایجاد یک افغانستان دوست باید در تحت نظر باشد و به اقدامات سازنده دوام داده شود - کار بخاطر یک ارتش؟ چرا به ایجاد یک ارتش نیرومند نه اندیشید؟ وجه چیزی مانع از بین رفتن آن خواهد شد؟ عدم دسترسی به پول خوب؟ آنها یعنی مردم دیگر به دادن شعارها باور نمیکنند (.....) اگر بطور کلی صحبت شود من ایده ای ارتش مزدبگیر را دور از دسترسی به آن رد نمیکنم برای ما این بهتر خواهد بود که سلاح مهمات را در دست خود داشته باشیم و از آن نظاره کنیم بگذار که اگر آنها بخواهند بینهم بجنگند پس در اینجا توافق بر موجودیت یک سیاست موازی فعالانه و هدایت کننده میتواند همه چیزها را مورد استفاده بخاطر حل و فصل معضله قرار دهد از جمله تماس با پاکستان و ایالات متحده امریکا .

**ایگور لیگاجوف:** ما نمیتوانیم که به مردم از راه گزینه جنگ و ارتش آزادی بیاوریم چونکه ما در این راه و یا گزینه شکست خوردیم پس در اینصورت اطلاعات **شوارد نازی** اطلاعات درست و دست اول است باوجودیکه بسیار مهیب و خطرناک نیز میباشد پس به صراحت باید گفت که راه نظامی گزینه ای خوبی نیست من فکر میکنم که آشتی ملی گزینه ای درست و صحیح میباشد .

اگر این سوال را از مردم بپرسیم و به مردم خود اجازه دهیم ، بگذار که سربازان ما در جنگ کشته شوند و یا هر نوع کمک دیگری بنمایم؟ من فکر میکنم که هر یکی از مردم ما تا آخرین فرد از مردم راه دومی یعنی آشتی ملی را خواهند پذیرفت .  
و اگر ما بخاطر قطع جنگ با پاکستانی ها ، هندی ها ، چینیایی ها و امریکایی ها به گفتگو بپردازیم پس در آنصورت ما باید مثل امریکایی ها که ویتنام را ترک نمودند در حصره خود عمل بالمثل را انجام دهیم حالانکه همه میگویند که ما تا کنون به این نقطه نرسیده ایم .

**مارشال سرگی ال سکلوف (Sergi .L.Sokolov):** وضعیت نظاً میان ما در این اواخر بدتر شده است، پوسته های گارنیزین ما دوچند شده است آنها تنها و محضاً در قریه ها و در قشلاق ها علیه مخالفین می جنگند؛ تلافی جویی و یا عین چیزی را به مراکز جمعیت و یا عا مه مردم برگرداندن اصلاً در پروگرام ما بملاحظه نمیرسد پس در اینصورت غیر ممکن است که از راه نظاً می بتوانیم در این جنگ موفقیت را از آن خود سازیم.

فلذا اولین وظیفه تاخیر ناپذیر ما این خواهد بود که رهبری افغانستان را هر چه بیشتر تشویق نمایم که بر نامه آشتی ملی را بمردم خود پیشکش نماید و در راه تحقق آن از

هچگونه سعی و تلاش مضایقه نه نماید پس در آنصورت با زهم راه نظامی گزینه ای خوب نخواهد بود چونکه مصارف اردوی افغانستان بسیار هنگفت است چنانچه همین اکنون مصارف نظامیان ویا اردوی افغانستان سالانه (5،3) ملیارد روبل میباشند و برای آنکه آنها بتوانند از هر جهت آماده به جنگ باشند (5،1) ملیارد روبل اضافی برای سال دیگر پیش بینی شده است و آن به این منظور که تمام هر آنچه را اردو نیاز دارد باید برآورده ساخت قابل تذکر است که در سال (1986) در حدود (1280) نفر از سربازان اردوی (40) ما در جنگ جان های شریف خود را از دست دادند.

باید نظر داشت تحلیل و تجزیه از وضع اقتصادی و کمک ها اقتصادی چنین نتیجه گیری میشود که مقامات افغانی از آنچه که برای ضروریات آنها کمک صورت میگرد سه بار بیشتر تقاضای کمک را از ما مینمایند و ما نیز میدانیم که آنها به این کمک ها نیاز مبرم دارند که ما باید این نیاز و ضرورت آنها را فراهم سازیم چنانچه ما در سال (1981) به آنها مبلغ (100) میلیون روبل کمک بل عوض کردیم کمکی که از آن نخبگان افغانستان مستفید شدند و نه مردم روستاها ویا قرا و دهات تا جایکه حتی آنها تیل خاک و گوگرد را نیز به نسبت ضعف اقتصاد خویش در دسترس ندارند.

**چیبیریکوف:** ما مسئله افغانستان را بیش از هر چیزی دیگر مورد بحث و مذاقه قرار میدهیم رفقاً مسئله مورد نظر را خوب تحلیل و تجزیه کرده اند و ما از این تحلیل و تجربه رفقاً بسیاری چیزهای را آموختیم، ولی اگر به اسناد در دست داشته زیاد توجه صورت گیرد در آنصورت چیزی جدید را در نخواهیم یافت که آن موضوع را قبلاً توضیح نکرده باشیم ویا آن را با رفقاً یکجا تحلیل و تجزیه نکرده باشیم.

ما در اینجا کدام موضوع جدید قابل ملاحظه را به ارتباط وضع موجود در افغانستان نیافتیم - آیا این موضوع را رفیق **میخایل سرگینویچ گرباچف** با کارمل در میان گذاشته ویا نه؟

**گرباچف:** ما پالسی و خط مشی خود را کاملاً تایید و بر آن تاکید می ورزیم - ما زمانیکه آغاز به یک کارکنیم از آن رونمیگردانیم یعنی از اجرای آن عقب نشینی نمیکنیم.

ما بخاطر آنکه در همه موارد عمل خوبی را انجام دهیم ضرورت آن دیده میشود که موضوعات ویا مسایل را همه جانبه باید تحلیل و ارزیابی کرد و آن اینکه ما باید کمک های خود را چسان و چگونه بکار ببریم تا در جای مناسب مورد استفاده قرارگیرد و به ارتباط سیاست خارجی ما باید گفت که میکانیزم سیاست خارجی را باید از طریق { نماینده سازمان ملل متحد } **کوردیویز** و زیدخل بودن پاکستان در قضایای افغانستان با دقت تمام بکار ببندیم. سعی شود که برای پیاده کردن میکانیزم درست سیاست خارجی خود با چینایی ها و البته هم با امریکایی ها چه معامله ویا داد و ستد و برخورد صورت گیرد.

وقتیکه ما به افغانستان رفتیم ، ما در سیما و منظر اید یولوژیک و محاسبات خود پیچیده شدیم (zakol' tsovany) و آن اینکه خواستیم تا از سه مرحله یا صفحه از فیودالزم به سوسیالیزم گذار نمایم و یا ببریم. اکنون ما وضع موجود را با چشمان باز خود می بینیم و بر ما است که باید به ارتباط افغانستان یک پالیسی واقع بینانه ای را دنبال کنیم آنچنانکه ما همه چیزها را در لهستان پذیرفتیم ، مثل کلیسا ، مزارع خصوصی و انفرادی دهقانان ، ایدیولوژی و پلورالیسم سیاسی را ، واقعیات و اقیعت است ، رفقاً درست و بجا فرمودند که بعوض آنکه زندگی انسان را مواجهه به خطر سازیم بهتر است که به صرف پول توجه نکنیم یعنی بخاطر زندگی بهتر انسانی می باید پول را به مصرف رساند.

یادداشت از جلسه پولیت بورو مورخ ماه فبروی «23»

سال (1987) { فشرده و گلچین «4» }

منبع : بنیاد گرباچف تهیه و تدارک توسط اناتولی چرنیوف برای (CWIHP)  
و ترجمه توسط گاری گولد نبرگ

**گرباچف:** در جای که اکنون ما هستیم اوضاع عادی و ساده نیست ؛ اما چگونه میتوانیم ذهن خود را از همچو وضع ناهنجار برها نیم و یا آزاد سازیم ؛ ما میتوانیم که سریعاً از افغانستان خارج شویم و با رملامتی را به دوش رهبری قبلی که آغازگر این رویداد تلخ بوده بگذاریم و بخود هیچ نگرانی را راه ندهیم ؛ اما ما نمیتوانیم که در این شرایط بغرنج به چنین عملی دست زنیم ، چونکه شاید این عمل ما یعنی فرار از افغانستان موجب نگرانی هندوستان و دوستان ما در افریقا شود و جنبش های رهای بخش ملی بر ما منت خواهند گذاشت که اتحاد جماهیر شوروی با این عمل خود بر ما ضربه سخت زد و اکنون بعید نیست که امپریالیزم بر ما حمله و تهاجم نکند .

اما وضع و حالات داخلی کشور ما نیز در خور اهمیت است که آن را نیز نباید نادیده گرفت ، چنانچه همین اکنون تقریباً یک میلیون از سربازان ما در افغانستان و در اینجا منتظر حالات هستند که چه واقع میشود همه چیز بیهوده و پوچ به نظر می آید چونکه موضوع به پایان خود نرسیده و نتایج آن نامعلوم و مرموز باقی مانده است و ما در این مورد ب مردم خود پاسخ قناعت بخش نیز نداریم تا جایکه مردم ما ب ما خواهند گفت که شما به همچو اقدامات خود فد اکاری ها و اقتدار و وقار کشور ما را میخواهید فراموش کنید ؟ که این گفته و فرموده آنها طبعاً باعث تحریک طعم تلخ میشود آنچه را که دور میگذارید یعنی زندگی پرافتخار مردم را؟

بهر صورت بخاطر یک توافق با امریکا نباید آن کشور را حتی تا حدی تعهد به یک معامله و سازش از نظر دور نگه داشت و ما در عین زمان نیاز آنرا می بینیم که بخاطر

نیل به هد ف بینی پاکستانی ها را نیز با ید مالش و مسازدهیم و به آنها بفهما نیم که اتحاد جماهیر شوروی قصد رفتن بجاهای دیگر را ندارد. واگر ممکن باشد بهتر خواهد بود که از ریس جمهور پاکستان (ضیا والحق) به تا شکند دعوت بعمل آید تا باهم ملاقات نمایم و حتی اگر ضرورت افتد میتوان به نحو از آنها اورا کمک مالی نیز نمود.

چونکه ما در این شرایط نیاز به انعطاف داریم و در غیر اینصورت امکان کشتار و قتل عام را در افغانستان نمیتوان از نظر دور داشت و به اینصورت نجیب (داکتر نجیب الله) سقوط خواهد کرد لذا ضرور پنداشته میشود که به مذاکره و دیالوگ دوام داد و آنها را نباید گذاشت که از مذاکره روی گردان شوند و ما در عین حال بخاطر اطمینان خاطر آنها جدول زمانی خروج قطعات نظامی خود را از افغانستان نیز تعیین و مشخص سازیم.

آیا در مورد آنچه که من تاکنون گفته ام تردید دارید { با صدا های بلند نه ، نه } .

\*\*\*

یادداشت از جلسه پولیت بورو مورخ ماه فبروی «26»

سال (1987) { فشرده و گلچین }

منبع: بنیاد گرباچف تهیه و تدارک توسط اناتولی چرنیوف برای (CWIHP)

و ترجمه توسط گاری گولد نبرگ

**گرباچف:** حجم هزینه کمک های ما بسیار زیاد است و با آنها اگر معضله افغانستان با تمویل همین هزینه ای زیاد حل و فصل گردد غیر قابل توجهی نیست.

**شوارد نازی:** ما مجدداً اشتباه میکنیم از آنچه که در انتظار ما است که ما تا حال پیش بینی آن رانکرده ایم یعنی تعیین جدول زمانی خروج قطعات نظامی ما از افغانستان.

**گرباچف:** و ما به کسی اجازه نخواهیم داد که در مورد بحث صورت گیرد از اینکه گناه چه کسی بود که ما رامبتلا به این وضع ساخت بلکه بحث مورد علاقه این باید باشد که اکنون کمک های را چگونه سازماندهی کرد که عاری از دستاورد نباشد.

**گرومیکو:** گرچه ما یازده با رتقاضای آنها را مبنی بر اعزام سربازان ما به افغانستان رد کردیم ولی باز هم این چقدر ایده و نظر ساده لوحانه بود از اینکه با ارسال نظامیان خود به افغانستان این احتمال را بسرمی پروراندیم که شاید که آن کشور در مسیر خوب و بهتر برای توسعه و انکشاف خود بیافتد - اما اکنون من برای دومین بار به این عقیده و یا باور هستم که با وجود هر نوع کمک های ما ؛ افغانستان قادر نخواهد بود که خود به ایجاد یک اردوی قدرتمندی دست یابد که جوابگوی دفاع کشور در مقابل تهاجم مخالفین اش باشد.

لهذا با در نظر داشت این برداشت در واقعیت امر ما دیگر هیچ گزینه ای دیگر نداریم و نمیتوانیم که افغانستان را بحال خودش رها کنیم بلکه باید دقت بخرچ دهیم که به آن کشور کمک های خود را چگونه سازمان دهیم تا که همراه با دستاورد ها باشد.

**گرباچف:** در اینجا یک جاگزینی و یا گزینه ای دیگر وجود دارد و آن اینکه اگر ما به این توافق برسیم که (200000) سربازان اضافی خود را بخاطرزدودن تمام انگیزه های خود به افغانستان بفرستیم که در پایان کار بازهم تصمیم برآن خواهیم گرفت که از افغانستان خارج شویم این تصمیم شاید درست باشد اما تصمیمات دیگری ممکن است در یک مورد نیاز به زمان داشته باشد بهر صورت لازم است تا به رئیس و مشاور روسی داکتر «نجیب الله» آقای پولینیچکو (polyanchko) در مورد پیشنهاد او که چیزی ممکن است برای ما پیشکش نماید فرصت دهیم و لازم نیست که در مورد خروج تمام مشاورین اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان به عجله تصمیم گیریم چونکه در آن صورت همه خواهند گفت ملاحظه کنید که تمام شوروی ها از افغانستان روبه فرار نهاده اند.

\*\*\*\*

## ظبط و ریکارد گفتگوی میخایل سرگیویچ گرباچف با وزیر خارجه ایتالیا جولیانو اندروتی (Giulo Andreotti) مورخ (27) فیبروری سال (1987) «رونوشت».

**منبع:** بنیاد گرباچف تهیه و تدارک توسط اناتولی چرنیوف برای (CWIHP)  
و ترجمه توسط گاری گولد نبرگ

وزیر خارجه ایتالیا گفت که موضوع افغانستان به همگان اشکار و هویدا است و آن اینکه شما در این اواخر میشنوید که در اکثر مجامع اروپایی پیرامون اوضاع افغانستان و راه حل و فصل معضله افغانستان جروبحث های گرم به میان آمده است و ما میدانیم که در این تازه گی ها اتحاد جماهیر شوروی سلسله ای از آگهی های جدید را به ارتباط افغانستان اعلان کرده است پس با در نظر داشت این اصل من شخصاً و بویژه به کنفرانس اسلامی پیام می فرستم که اشتراک کنندگان آن کنفرانس به موضوع افغانستان ارزش دهند که البته این خود یک حرکت ماهرانه ای سیاسی و در خور توجه میتواند باشد.

بنا بر این تعجب آور نیست از اینکه مجامع کشورهای اروپایی اکنون این تصور را بدست آورده اند که یک راه حل مشکل افغانستان این است که هرکس همواره باید از آن حمایت کند و در صورت ضرورت ایده و نظر سازنده ای خود را پیشکش کند و این چه بسا یک عمل خوب و بهتر است که اتحاد جماهیر شوروی بفرصت ادامه این حرکت مسیر درست

وصحیح را پیشکش نموده است و درست خواهد بود که در همین مسیر درست به حرکت خود ادامه دهد.

**میخایل سرگیویچ گرباچف:** من میخواهم در مورد یک نظر بدهم و آن اینکه ما یک سلسله اطلاعات از منابع موثق اطلاعاتی و خبر رسانی ها بدست آورده ایم و من فکر میکنم که ما باید به این اطلاعات بدست آمده با ورمند گردیم و باید که این اطلاعات طرف اعتماد ما قرار گیرد؛ و آن اینکه ایالات متحده امریکا هدف مشخص دارد که ما نع راه های حل و فصل معضله افغانستان گردد؛ لذا اگر امریکا در این راه موفق نگردد در آن صورت این امریکا خواهد بود که فرصت را از دست خواهد داد که بتواند اتحاد جماهیر شوروی را در پیشگاه و در نظر جهان بدو زشت معرفی نماید و من تکرار میکنم که ما تقریباً متقاعد شده ایم که اطلاعات بدست آمده قابل اعتماد ما بوده و البته که این اطلاعات بدست آمده بطور طبیعی توأم با دشواری ها نیز میباشد.

**شوار دنازی:** حتی تا جاییکه پاکستانی ها بما میگویند که امریکایی ها بالای ما فشار وارد میکنند که ما نباید در راه حل و فصل معضله افغانستان تشریک مساعی نمایم.

**میخایل سرگیویچ گرباچف:** بلی که پاکستانی ها شکایت دارند که امریکایی ها بالای آنها فشار وارد میکنند که مانع حل و فصل معضله افغانستان شوند یا که در راه حل مشکل موجود افغانستان سنگ اندازی کنند لذا من صادقانه درخواست میکنم که پاکستانی ها را اجازه ندهید که از سعی و تلاش خود در راه حل و فصل معضله افغانستان کنار روند بلکه باید در راه تامین صلح و حل مشکل افغانستان از نظر همسایگی بذل مساعدت نمایند که البته ادامه این فعالیتهای نیکخواهانه ای آنها سبب آن خواهد شد که امریکایی ها از وارد کردن فشار زیاد بالای آنها دست خواهد کشید.

**جولیو اندروتی:** (لب خند) تشکر از شما با ارایه همچو اطلاعات قابل اعتماد و من نیز در این مورد میدانم و با اطلاعات چندی دارم چونکه وزیر امور خارجه پاکستان دوست شخصی من است و او مدتی اینجا در ایتالیا محبوس بود.

**میخایل سرگیویچ گرباچف:** این بدان مفهوم است که اطلاعات ما با شما یکسان و با هم موافق است.

**جولیو اندروتی (G.Andreotti):** اما غیر ممکن است که فراموش کنیم و آن اینکه نیروهای مختلفی با ایده های گوناگونی در ایالات متحده امریکا وجود دارند و من فکر میکنم که تاثیر گذارترین محافل امریکایی اقدامات دیگری را انجام میدهند بگونه مثال لغو تحریم ها علیه لهستان توسط همچو محافل، من همچنان در مورد سفر نه چندان دور (معاون وزیر امور خارجه = John.c. whitehead) میدانم که او بغرض بازدید و ملاقات با نمایندگان و اعضای کشورهای شامل پیمان «ناتو» به وارسا خالی از هدفی نبوده و آن اینکه نامبرده با مقامات ذیصلاح لهستانی ها به گفتگوهای چندی پرداخته است و من



چنین می‌اندیشم که این امر برای هر دو طرف ما دلچسپ و مورد علاقه خواهد بود چونکه امریکایی‌ها در پی افزایش نفوذ خود در تعیین خط مشی آینده این کشور می‌باشند. **میخا یل سرگیویچ گربا چف**: ماهمچنین این رامی بینیم، ما سیاست ایالات متحده امریکا را از نزدیک با رسیدن سگنال‌های از منابع اطلاعاتی و خبری مسؤل دنبال میکنم و البته با این با ورو نظر نیز هستیم که این منابع در واقعیت امر نماینده و در دفاع از ایالات متحده امریکا میباشند - ولی ما ما نع همچشمی ورقابت با امریکا نیستیم اما از زاویه واقعیبینانه اگر بطور کل نگرسته شود ما در ذهن خود یک چارچوب مثبت داریم ولی البته که هم چیز مربوط بما نیست ویا همه چیز وابسته به ما نیست .

**جولیواندروتی**: من میخوام که چند کلیمه ای در مورد برگذاری یک کنفرانس بین المللی در خاور میانه اگر تدویر یابد ابراز نظر نمایم - من شخصاً بشکل جدی طرفدار برگذاری واماده گی به تدویر یک کنفرانس بین المللی در خاور میانه میباشم آنچنیکه من در جلسات منعقد در ایالات متحده امریکا از عبارت «آماده سازی برای آماده سازی» استفاده نمودم ویا این عبارت را بکار بردم .

ولذا اگر توجه جدی به تدویر همچو کنفرانس بین المللی صورت نگیرد پس میتوان چنین قضاوت کرد که از ابتدا اراده به تدویر این کنفرانس وجود نداشت یعنی که از ابتدا سعی وتلاش بخاطر تدویر این کنفرانس محکوم به شکست شده بود که چنین بی احتیاطی خود کاملاً غیر قانونی میتواند پنداشته شود. **میخایل سرگیویچ گرباچف**: نظر ما نیز همسان همین نظر شما است .

**جولیواندروتی**: شما بوضوح اختلافات وتفاوت های چندی را در میان رهبران اسرائیلی بشمول آنهایکه خویشان راهمگانی و ملی معرفی میکنند بهتر میدانید ویا از این اختلافات موجود بهتر می شنوید بویژه تناقضات در میان نخست وزیر ووزیر امور خارجه اسرائیل تا جایکه حتی بطور چشمگیر اختلافات وتفاوت ها در اظهارات وبیانیه های رسمی آنها بملاحظه میرسد .

من میخوام در این موضوع چنین روشنی بیاندازم وآن اینکه در یک سند تایید شده جوامع اروپایی چنین ذکر شده است که هیچ چیزی در مورد نیاز و ضرورت به تمدید روابط دیپلماتیک میان اتحاد جماهیر شوروی و اسرائیل نوشته نشده است . لذا ما ؛ درخواست کردیم که این موضوع باید بشکل محرمانه به رهبری شوروی فرستاده شود ویا در گوش آنها محرمانه صحبت شود البته که این پیشنهاد خود من بود وآن اینکه من رک وراست اعلام کردم که این مسئله بسیار ظریفانه است ولازم نیست که این موضوع بگوش همه مردم ویا عامه برسد ویا بیان شود .

از سوی دیگر اسرائیل احتمالاً در برخی از موارد درست ویا حق بجانب است هنگامیکه چنین پرسشی به میان آید که چگونه ویا چطور یک کشوری که روابط دیپلماتیک نداشته باشد بتواند در یک کنفرانس بین المللی خاور میانه اشتراک نماید ، پس اینجا است که

ممکن شما از آنجاییکه روابط دیپلماتیک خود را حفظ نموده اید میتوانید با ده ها تن از کشورهای که دارای بیشترین امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را دارند به بررسی این موضوع بپردازید پیوسته به این مطلب من بخوبی مشکلات شما را با در نظر داشت روانشناسی بویژه اعراب درک میکنم؛ اما در حال حاضر اشکال شده است که تعدادی از کشورهای عربی آغاز بکار کرده اند یعنی که در مسیر شناخت اسرائیل در حرکت افتاده اند یا به عبارتی ساده میخوانند که اسرائیل را به رسمیت بشناسند! پس اگر سرنوشت این کنفرانس احتمالاً به مسله بازگرداندن روابط دیپلماتیک میان شوروی و اسرائیل بستگی داشته باشد در آن صورت ارزش انجام این کار را نخواهد داشت.

من همچنین در مورد مشکلات فلسطینی ها نیز میدانم طوری که ما خود نیز از آن رنج می بریم از اینکه در این کنفرانس از جانب فلسطینی ها که نمایندگی خواهد کرد؟؟ فلسطینیها! سازمان آزادی فلسطین (یا سازمان آزادی بخش فلسطین) ریس یا سر عرفات؟ یا نه؟ بهر صورت ما از عرفات حمایت میکنیم چون دیگر کسی را نمی بینیم که در این کنفرانس با موجودیت شرایط چندی از فلسطین ها نمایندگی کند. آقای گرومیکو برایم گفت: که در روابط شما با سوریه «یا سر عرفات گربه سیاه» است پس در این صورت بدون عرفات آیا دیگر کسی بهتر از عرفات است که بتواند در این کنفرانس از فلسطینی ها نمایندگی کند؟

**میخایل سرگیویچ گرباچف:** ما هر دو این مشکل را با دیده باز می بینیم اگر هر یک کسی در مورد روابط ما با اسرائیل صحبت میکند نگاه ممکن بعضی ها در مورد قدم ها و یا نحوه حرکت به سوی تدویر کنفرانس که قرار است در شرق میانه تدویر یابد نیز صحبت خواهند کرد یعنی به ارتباط روند که ما نیز میخواهیم به این موضوع برگردیم ولی نه همین اکنون؛ همچنان به نظر نمیرسد که این پرسش را از متن وضعیت کلی امور خارج ورمیانه بیرون کشیم.

در رابطه به سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO) ما نیز این را قبول داریم و این خود یک واقعیت انکار ناپذیر است که نباید آن را از نظر دور داشت و آن اینکه اگر سازمان آزادی بخش فلسطین از منافع مردم فلسطین نمایندگی کند ولی آن را نادیده گرفت یا به یک کنار گذاشت و آنهم به این مصلحت که در کنفرانس هیچ مشکلی ایجاد نخواهد شد موضوعی میتواند باشد که از کار کنفرانس با در نظر داشت هدفی که تعیین شده است چیزی قابل دسترس نخواهد بود و یا بهتر است که گفته شود غیر ممکن به نظر می آید که کدام نتیجه مطلوب از این کنفرانس بدست آید و ما نباید از بعضی چیزها واقعی چشم پوشی نمایم و یا آنرا نادیده بگیریم، فلذا اتحاد جماهیر شوروی موافق است که سازمان آزادی بخش فلسطین با اشتراک فعال خود در کنفرانس بخاطر تا مین منافع خلق فلسطین حضور رسانند و ما نیز باعده ای از کشورهای عربی که وضعیت و مناسبات آنها با ما بر سر موضوع فلسطین کمی تیره گردیده است تلاش بخرچ میدهیم که مناسبات خود را با

آنها حسنه سازیم و درضمن ما از آنها خواهیم خواست که سا زمان آزادی بخش فلسطین را بعنوان یگانه سازمان بشناسند که حا می منافع خلق فلسطین میبا شد اما با آنهم ما با شما یک جا به کهکشانی دیگر پرواز خواهیم کرد در صورتیکه اگرکشورهای عربی بینهم به توافق برسند .

**جولیواندروتی:** این کاملاً درست است از اینکه بسیاری از مردم زمانیکه آنها درمورد برگزاری یک کنفرانس بین المللی همچو این کنفرانس صحبت میکنند یک مشکلی را تذکر میدهند و آن اینکه آیا اتحاد جماهیر شوروی در این کنفرانس اشتراک می نماید؟ و یا آیا سازمان آزادی بخش فلسطین به صفت یگانه نماینده مردم فلسطین در کنفرانس سهم میگیرد من فکر میکنم که موضوع اصلی این باید باشد که همه ما بشکل دستجمعی و با توافق همدیگر چنین تصمیم گیریم که بخاطر زودن و رفع رنج های بیکران سالیان متما دی مردم فلسطین به نماینده آنها اجازه دهیم که در کنفرانس شرکت نماید. سوال در اینجا از شناخت شما از اسرائیل در میان نیست، اما موضوع از احتمال در حال آمادگی و یا آماده سازی برای تدویر کنفرانس است که ما باید این توانایی را در خود خلق نمایم و به بحثی مبنی بر بازگرداندن روابط دیپلوماتیک میان شوروی و اسرائیل بپردازیم و به اینصورت بالای وزیر امور خارجه اسرائیل آقای شمیر (shimier) فشار وارد سازیم و موضوع را در کنفرانس حل و فصل نمایم .

\*\*\*

یادداشت از جلسه پولیت بورو مورخ ماه می «21-22»

سال (1987) فشرده و گلچین

**منبع:** بنیاد گرباچف تهیه و تدارک توسط اناتولی چرنیوف برای (CWIHP) و ترجمه توسط گاری گولد نبرگ

**شواردنازی:** طی گزارشی الارم ویا زنگ جدی نگرانی خود را در ارتباط اوضاع و مسایل روز بصدا درآورد و گفت که سیاست مصالحه ملی با یک دستاورد خاصی توام با یک برخورد معتدل همراه خواهد بود .

**گرباچف** «بعد» از جنرال والنتین (General Valintin I)، بنا بر این ما با داشتن همچو یک رهبری موجود نمیتوانیم به ایجا دیک افغانستان نوین نایل آیم ویا دست یابیم لذا ناگذیریم که باید رژیم کنونی را تغییر دهیم اما چطور؟ آیا ما باید اقدام کنیم چونکه شما میگوید که ارتش افغانستان قادر نیست که نقش خود را بشکل مستقل انجام دهد پس در مورد خروج نیروهای ما از افغانستان نظر شما چیست؟

**وارینیکوف (Varenikov):** همین اکنون سیاست مصالحه ملی در حال نابودی و مردن است .

**گرباچف:** ولی ما قبلاً به نجیب «نجیب الله» گفتیم که شما باید بعد از این هرچیز را بدون آنکه از ما مشوره بخواهد خودتان آنرا انجام دهید؛ او می بیند که به سیاست مصالحه ملی دست نخواهد یافت چونکه او هیچ کاری را در مورد آن انجام نداده است که این خود کاملاً یک نوعی از **کارملیزم** است.

شما درست میگویید مثل اینکه سرباز آنجا چنین فکر میکند که آنها را مجبور ساخته اند که بر ما ونه برای کشور خود مبارزه کنند.

**وارینیکوف:** باید اذعان کرد که در آنجا بطور کلی هیچ حس ملی و وطنی برای کشور وجود ندارد بلکه در آنجا یعنی در افغانستان خاندان، قبیله و طایفه مطمح نظر است یعنی که یک سرباز برای خانواده، قوم و طایفه خود مبارزه میکند چونکه بخشی بزرگی از قلمرو کشور در تحت سلطه ای مجاهدین قرار دارد.

**گرباچف:** مجاهدین نیز مثل آنچه که شما اجراءت مینمایید حسب گفته شما آنها نیز اجراءت مینمایند.

**وارینیکوف:** آنها مردم بیسواد و ناخوان هستند ولی ما در حال هیجان برای پیاده کردن سوسیالیزم هستیم و میخواهیم که بخاطر تحقق ایده انقلابی ملی و دموکراتیک خود مردم را بسوی خود فراخوانیم و یا میخواهیم که ایده خود را بالای آنها تحمیل نمایم اما آنها ایده و نظر ما را درک نمیکنند چونکه در اینجا از مدت کم و بیش پنج ماه میشود که تمایل به رکود است یعنی که کسی این ایده را آنچه هست ب مردم نمی فهماند.

**گریچکو:** از وضع موجود در افغانستان چنین بر می آید که در شرایط نامطلوب کنونی خروج و فرار و یا آزاد گذاشتن افغانستان بحال خودش غیر ممکن است؛ من سیاست دفتر سیاسی (پولیت بورو) را درک میکنم از اینکه این دفتر میخواهد که همه چیز باید در افغانستان تغییر کند و به مسولین حزب دموکراتیک خلق افغانستان آموختانده شود که هرچه را خودشان سازماندهی کنند و در غیر آن افغانستان با خروج نیروهای ما به کشتارگاه تبدیل خواهد شد لذا میتوان گفت که در شرایط کنونی واژه و یا کلمه دموکراتیک متصل به نام «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» مناسب نیست بلکه باید نام «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» به یک نامی تغییر کند که از طرف مردم قابل پذیرش باشد اما چیزی دیگری را که نباید فراموش کرد آن واژه و یا کلمه (حزب) است که برای مردم عجیب و غریب به نظر می آید و آن بدین مفهوم که اگر نجیب (داکتر نجیب الله) تنها بعنوان رئیس حزب برگزیده شود و قدرت دولتی را بدست نداشتند با شد من فکر نمیکنم که او بتواند از نفوذ قابل ملاحظه ای در بین مردم خود برخوردار گردد و هم بیمورد نمیدانم و آن اینکه باید در ادبیات و صحبت های حزبی کلمات متداول اسلامی (Islamization) نیز اضافه گردد تا این دولت و این حزب طرف اعتماد مردم قرار گیرد.

**گرباچف:** بلی این یک برخورد واقعینا نه است؛ ما موظف هستیم که برای پیاده کردن یک سیاست واقعینا نه کار کنیم و این را باید بخاطر داشته باشیم که افغانستان بدون

اسلام وجود نخواهد داشت و هیچ چیزی دیگری نمیتواند مستقیماً جایگزین اسلام در آن کشور گردد؛ پس اگر نام حزب حفظ میشود و یا در آن تغییر بوجود آورده میشود کلمه اسلام نیز باید به آن ضم گردد. چونکه افغانستان بادر نظر داشت شرایط طبیعی مختص بخود بطور طبیعی نیاز به بازگشت دارد. پس بدین اساس از مجامع بین باید به شدت هرچه تمام دعوت بعمل آید که در قدرت دولتی شریک شوند و نباید مانع کس و یا کسانی شد که خود میخواهند در قدرت دولتی شریک شوند؛ برای انجام این کار «نجیب» باید بعنوان رئیس جمهور این فراخوان را از طریق بیانیه رسمی اعلام نماید که این خود به حیث یک عامل شخصی اهمیت قابل ملاحظه دارد.

اگر «نجیب» به مقام ویایست ریاست جمهوری نامزد میشود حق اوست که برای پیشبرد امورات کشورش برنامه ای دیگری را اعلام کند و نه آنکه به برنامه های حزب دموکراتیک خلق افغانستان چنگ زند و یا آن برنامه ها را دنبال کند.

اگر ما با «نجیب» کار نکنیم پس با که میتوان کار کرد؟ اما اگر ما از کار کردن با «نجیب» روگردان شویم در آن صورت من فکر میکنم که همه دستاوردها را از دست خواهیم داد و در آن صورت دوستان ما با ما خواهند گفت که اتحاد جماهیر شوروی با ما و جهان مترقی خیانت کرد، و از سوی دیگر این کاملاً آشکار و هویدا است که افغانها در اطراف حزب دموکراتیک خلق افغانستان تجمع نمیکند چونکه آنها این حزب را قبول ندارند و ما باید برای آخرین بار در مورد آن صحبت کنیم و آن اینکه اگر ما چشم انداز و یا دورنمای ارتباط خود را با «نجیب» رد کنیم و یا از کمکها با او روگردان شویم در آن صورت همه چیز را از دست خواهیم داد و او را باز هم به مثل «کارمل» تبدیل خواهیم کرد و یا از او «کارمل» ثانی خواهیم ساخت و بعداً بگونه احمقانه سر بازان خود را از آن کشور بیرون خواهیم کرد و همه چیز را در حال ضربه و شکست خورده بجا خواهیم گذاشت پس در اینجا لازم دیده میشود که شماری از نیروهای خود را بدون آنکه باعث در درونج دیگرها شود باقی گذاریم و در ضمن باید با پادشاه افغانستان ارتباط برقرار کنیم چونکه ما نیاز به تشکیل یک دولت ائتلافی داریم یعنی فارغ از شکل دولت کنونی و آن بدین مفهوم که در آن دولت ائتلافی نباید «نجیب» بعنوان شخص شماره (1) مقام و نفوذ داشته باشد.

**اخرومیوف «Akhromeyev»:** نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان نباید با توافق بیافتد یعنی که این حزب نباید در امور و مسایل دولتی نقش امرانه و رهبری کننده را بازی کند؛ و اگر ما این دیدگاه را بپذیریم در آن صورت جنگ پایان خواهد یافت جنگی که ما هرگز در آن برنده نیستیم، البته که دولت ائتلافی بدون داشتن نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تنها با مشارکت آن حزب خواهد توانست که از عهده کارها بخوبی بدر آید پس بگذارید که به کمک سرنیزه ما حداقل برای مدت یک سال یک حکومت (بورژوازی) در افغانستان به سر اقتدار باشد.

**گربا چف:** اگر ما همین اکنون این مطلب را به آنها بگویم شاید که آنها به ساده‌گی فرار خواهند کرد.

**گربا چف:** این یک اشتباه محض خواهد بود که فکر شود که ما به ساده‌گی پاک و منزله از افغانستان بیرون خواهیم آمد ما بمردم ما توضیح نمیدهیم چرا؟ چونکه در افغانستان هرکسی ویا کسانیکه که در کنار ما می‌مانند طول خواهد کشید تا به یاد آورند که ما چگونه آنها و کسانی را با نجیب کشتیم ویا همه‌ای آنها را در سطح وصف دشمن خود قرار دادیم و به آنها به نحوه از آنها ضربه وارد کردیم و به این نوع برخورد خویش نتوانستیم تا یک افغانستان دوست را بدست آوریم و در همان زمان بصورت غیرممکن به پایان ناپذیری جنگ ادامه دادیم؛ حالانکه ما باید یک راه حل سیاسی را بخاطر ختم جنگ بدون اجرای عملیات‌های نظامی پیدا می‌کردیم یا به عباره دیگر پالیسی آشتی ملی را همان وقت که یک پالیسی خوبی است در نظر می‌گرفتیم بخاطر تحقق آن با برداشتن گام‌های استوار مبارزه می‌کردیم حالانکه ما در این زمینه هیچ کاری را از پیش نبردیم که باید با طیف وسیع از مردم بخاطر تحقق پالیسی آشتی ملی تماس حاصل می‌کردیم.

در حال حاضر موقف ایالات متحده امریکا و پاکستان با در نظر داشت پالیسی آشتی ملی سخت میشود و آن اینکه این هر دو دولت در صدد مختل و باطل کردن این پالیسی دست بکار میشوند که ما نباید آنرا نادیده بگیریم. و لازم پنداشته میشود که پیرامون راه‌های دیگر نیز با دقت تام بیا ندریشیم بخصوص به راه‌ها و موارد ذیل:

**1- کوردی یز (Cordovez):** در مورد او باید عمیقاً با ندریشیم که با او چگونه برخورد و معامله نماییم و تماس ما با او نباید قطع شود.

**2- ما از راه درست و واقعی با ایالات متحده امریکا قریب و نزدیک نیستیم آنها را باید با فراهم آوری ویا با تامین ارتباط به راه حل سیاسی معضله افغانستان دعوت نماییم این است یک سیاست درست و بجا و باید که این فرصت را از دست ندهیم.**

**3- در اینجا یک چانس تاثیرگذار در قدمه‌ها و مراحل دیپلوما تیک در رابطه با رهبری افغانستان وجود دارد، آنها می‌توانند که ما به ساده‌گی مشکل بیرون آمدن از افغانستان را مثل که آنها از ویتنام خارج شدند داریم.**

**4- عملیات‌های نظامی:** در این مورد لازم است که به تکتیک وارد کردن فشارهای در منطقه بهبودی بخشیم و ایجاب میکند که متخصصین و قدرت‌های محل را با دقت و نظارت کامل مسلح سازیم و از آنها قول و قرار بگیریم چونکه افغان‌ها مردمی هستند که به قول و قرار خود استادگی میکنند در صورتیکه به آنها روحیه اعتماد داده شود پس بهتر است که ما با کمک‌های خود آنها را یکبار امتحان کنیم و نیاز آنها را بعنوان یک سرباز برآورده سازیم و تلاش نماییم که برای پیشبرد کارهای محوله آنها رهبری ویا

کارکن و افسر با تجربه را سراغ نمایم تا آنها با دل جمع در تحت رهبری همچو افسران مبارزه کنند چونکه همچو نیروهای محلی در محل وجود دارد که ما باید آنها را با دادن سهم در قدرت دولتی بعنوان حامی دفاع از کشور شان از صف مخالفین جدا سازیم آنوقت است که ما میتوانیم طبق میل خود از آنها کارگیریم .

**5-** بخاطر جلوگیری از مخالفین و یا دست کشیدن آنها در مخالفت با دولت لازم است که آنها را بمثا به اعضای بانفوذ و قدرتمند محلی در دولت سهیم سازیم آنها را فراخواند و بمردم اعلام ساخت که آنها از عهده این وظیفه برآمده میتوانند .

**6-** حزب دموکراتیک افغانستان من بعد نباید بعنوان یک حزب با نقش تعریف شده قبلی خود در همه امور اجرای وظیفه نماید بگذارید که دیگر احزاب نیز عرض اندام کنند و یا بگذارید که بگونه نمونه بگویم که (حزب اسلامی افغانستان) تمام نیروهای تحت رهبری اش را در دفاع از کشور را جمع و جور کند و باین صورت ضرورت بهتر خواهد بود در نام و در عنوان حزب یا احزاب که ایجاد میگردد واژه اسلام جا داده شود و همچنین باید که حزب دموکراتیک افغانستان شکل و ماهیت خود را تغییر دهد- من اکنون نمیخواهم پیش از پیش بگویم که کدام مقام و یا پستی به «نجیب» داده شود ولی بطور طبیعی او باید با احتمال زیاد در راس دولت قرار گیرد و از هنگام تعیین اش به حیث رییس جمهور باید یک شخص غیر جانبدار و بیطرف باقی بماند و یا در نهادی همچو پارلمان باید بعنوان یک شخص تاثیر گذار ایفای وظیفه کند .

**7-** واضح و آشکار است که با حضور (2-3) فیصد مخالفین در دولت میتوانیم حداقل تا (50) فیصد مقاصد خود را بدست آوریم .

**8-** ما باید در طول یک و یا یک سال و نیم آینده معضله و یا مسله افغانستان را یکطرفه کنیم و یا به آن نقطه ای پایانی گذاریم یعنی برای حل معضله مهلت تعیین کنیم بهتر است به «نجیب» فرصت داد که او این مهلت را تعیین کند و ما مجدداً به نجیب هشدار می دهیم و یا به او خاطر نشان میسازیم که همه امورات و کارها را با ابتکار خود در دست گیرد و نگذارد که مشا و ورین ما در هر موضوع و در هر مسله تداخل نمایند و بهتر است که مشاورین ما از دادن مشوره ها مثل سابق اجتناب نمایند و «نجیب» با در نظر داشت خاص که او نیاز آنرا می بیند در حصه خود عمل کند و لازم نیست که بخاطر حل یک معضله هر روز (20) بار از مسکو چیزی بپرسد .

-----**با تقدیم سلامها « 2017-09-09 »**

ادامه دارد

قسمت سوم در مقاله جداگانه

